



مقام معظم رهبری:

اگر مدافعان حرم نبودند راهپیمایی اربعین نبود

میزان: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، دوشنبه سی‌ام مهر در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، با اشاره به شباهت حرکت مدافعان حرم اهل بیت علیهم‌السلام در سال‌های اخیر با حرکت کسانی که در دوران...

صفحه ۲

پنجشنبه ۳ آبان ۱۳۹۷ - ۱۵ صفر ۱۴۴۰ - ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸

تنترها

از سوی رئیس‌جمهوری

بخش نامه بودجه سال ۹۸ ابلاغ شد

صفحه ۴

از سوی دولت و قوه قضائیه رخ داد

واکنش به اتهام افساد فی الارض فعالان محیط‌زیستی

صفحه ۳

واعظی:

جهانگیری شوخی کرده بود

صفحه ۲

نخستین سالمرگ
علی اشرف درویشیان

صفحه ۱۶

برانگو گفت به خاطر مردم بازی را برگردانید
گفت‌وگو با محمد انصاری

صفحه ۱۴

به وقت خیر ساعت خوب
تولد استادمحمد به قلم خودش

صفحه ۱۰

حرف اول

صد او سیما بر کدام مدار می‌گردد؟

مصطفی ایزدی



بر هیچ انسان هوشمندی پوشیده نیست که رسانه، چه در گذشته، چه در حال و آینده، تأثیر سازنده فوق‌العاده یا ویران‌کننده بی‌بدیلی دارد. امروزه که دامنه تنوع رسانه‌ها بسیار گسترده شده است، رسانه‌ای می‌تواند محبوب و گیرا باشد که قوی، شریف و آزادتر باشد. در ایران فعلی مثل سایر کشورهای درحال‌توسعه یا پیشرفته، رسانه‌های گوناگونی وجود دارد، به‌ویژه در فضای مجازی که تا حدودی شبیه به هم هستند، اما در رسانه‌های قدیمی مانند رادیو و تلویزیون، رسانه‌ای وجود دارد به نام رسانه ملی که این رسانه به طور شگفت‌انگیزی با این نوع رسانه‌ها در دیگر کشورها متفاوت است. می‌دانیم که رسانه‌ها دو کار اصلی و عمده می‌کنند: آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی. هر رسانه یک هنرنمایی دارد، اما رسانه صداوسیما هنرنمایی‌اش این است که بین خودش و مردم فاصله بیندازد!

مدیران آن چه بخواهند و چه نخواهند، چه آمار بدهند و چه ندهند، از اعتبار خود روبه‌روز می‌کاهند. اینان فکر می‌کنند اگر اعلام کنند که فلان برنامه را چند درصد از مردم ایران دیده‌اند، یعنی نزد مردم اعتبار زیادی دارند، در صورتی که این‌طور نیست. اعتبار یک رسانه به این نیست که یک برنامه طنز یا یک برنامه اجتماعی، بینندگان زیادی دارد. بلکه ارزش و اعتبار یک رسانه به این است که درصد زیادی از مردم به واقعی‌بودن اخبار و اطلاعات آن رسانه ایمان داشته باشند و آن را در معادلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بی‌طرف بدانند. راستی چرا رسانه‌های اینترنتی که آزادانه اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی می‌کنند، آن‌قدر تأثیر دارند که رسانه ملی مجبور می‌شود هرچند وقت یک بار با انتشار خبر و گفت‌وگو و فیلم از فلان موضوع مطرح‌شده در فضای مجازی، تأییدزدایی کند؟ چرا چنین است؟ جوابش این است که فرهنگ حاکم بر مدیران آن به گونه‌ای نیست که بتوانند اعتماد مردم را جلب کنند و نمی‌خواهند در دفاع از حقایق جامعه گامی مثبت بردارند. وقتی مردم حقایق را می‌بینند و واقعیت‌ها را با گوشت و پوستشان لمس می‌کنند، اما در رسانه ملی به گونه‌ای دیگر می‌شنوند، اعتماد خود را به صداوسیما از دست می‌دهند. از طرف دیگر این رسانه در برخورد با جریان‌های سیاسی فعال در جامعه و حتی فصول در عرصه خدمتگزاری، یک‌طرفه می‌رود و شیوه تک‌صدایی را برای خود برگزیده است.

ادامه در صفحه ۶



بررسی آرایش نمایندگان در رد فوریت طرح استفساریه مستثناکردن شهردار تهران

چه کسانی دنبال استفساریه بودند؟

● علی مطهری: به نظرم این استفساریه باید تمام شهرداران را شامل می‌شد ● افشانی در آستانه خداحافظی از بهشت

صفحه ۲ و ۱۳



صفحه ۲

یادداشت

ناز و نیاز طبیبان

محمداحسان رحیمی‌نژاد . امیرحسین مؤبد

ماهیت خطای پزشکی چیست و گسست در ارتباط جامعه و نظام سلامت چگونه اتفاق افتاده است؟

خطای پزشکی یکی از خطاهای متداول انسانی است که افراد جامعه به‌صورت روزمره با آن مواجه می‌شوند و از آن آسیب می‌بینند. از جنجالی‌ترین پرونده‌های خطای پزشکی در ایران، پرونده فوت مرحوم عباس کیارستمی بود که چندی پیش با صدور حکم نهایی از سوی هیئت عالی انتظامی سازمان نظام پزشکی، به نظر مختومه اعلام شد؛

اما هنوز سؤال‌ها و شبهه‌های فراوانی درباره این پرونده و مورد‌های مشابه برای ذهن پرسشگر جامعه باقی مانده که پاسخ به آنها و اقتاع حد اکثری را مشکل کرده است. به‌راستی آیا جامعه پزشکی از مصونیت نسبی در برابر محکومیت‌های انتظامی ناشی از قصور و تقصیر برخوردار است؟ آیا فرایند بررسی پرونده‌های خطای پزشکی در ایران کارآمد است؟ آیا کسی را یارای بازپرس‌کشی‌ن پزشکان از برج عاج خود نیست؟ آیا مجازات‌هایی نظیر توبیخ کتبی با درج در پرونده و در نشریه داخلی نظام پزشکی بازدارنده است یا سنسجیتی با آسیب‌های واردشده بر جان بیماران دارد؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های زیادی از این دست هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند. در این نوشتار قصد داریم کمی ریشه‌ای‌تر به وااکوی چند پرسشش بپردازیم. پرسش‌هایی که شاید پاسخ به آنها بتواند ما را به‌سوی قضاوت منصفانه‌تر سوق دهد.

آیا می‌توان گفت مقصر صرف پزشکان هستند؟

با توجه به مراحل رخداد خطای پزشکی به نظر می‌رسد در هر مورد با امری پیچیده روبه‌رو هستیم. در یک خطا، فاکتورهای متعددی نقش دارند که تأثیر هرکدام می‌تواند تصمیم‌گیری درباره عامل اصلی را با چالش مواجه کند. آموزش متفاوت، نامناسب و غیرپایدار، تمرین و ممارست کمتر از حد استاندارد، پروتکل‌های متفاوت و گاه متناقض، مطالعات متضاد، فراموشی و اختلال در یادآوری، به‌روزنبودن دانش و کارآمدی بالینی، اهمال و سهل‌انگاری، خطای محاسباتی، خطای حسی، دوراهی‌های بی‌پاسخ اخلاقی، اختلال کارکرد تجهیزات و کمبود امکانات، عوامل مدیریتی، ساعات کاری غیراستاندارد، روابط کاری نامناسب، نبود امنیت حرفه‌ای، تصمیم‌سازی بر مبنای خواسته‌های نادرست، بی‌پشتوانه علمی و زیان‌آور بیماران برای درمانی خاص و دلایلی از این دست می‌توانند در نهایت منجر به خطا در

ادامه در صفحه ۶

بیماران، همراهان بیمار یا خود نظام سلامت یک تابو به حساب می‌آید که شاید اتوریته حرفه‌ای و شخصی پزشک را تحت‌الشعاع قرار داده و امکان شکایت را افزایش می‌دهد. نظام درمانی دولتی و خصوصی نیز به‌صورت روزمره و فرساینده درگیر چانه‌زنی با نظام بیمه تمام‌دولتی بر سر دریافت مووقات و کاهش کسورات است و عملاً رمقی برای جنگ در جبهه‌ای جدید و گسترده از کسورات و شکایات ناشی از تشویق پزشکان به آشکارسازی خطا و فرهنگ‌سازی عمومی را ندارد. درحالی‌که تجربیات مشترک ثابت کرده‌اند شفافیت در یک نظام از طرفی، احتمال تکرار خطاهای یکسان را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر، موجب ارتقای اعتماد عمومی به آن نظام می‌شود.

گسست در ارتباط جامعه با نظام سلامت چگونه اتفاق افتاده است؟

هرچند تأکید این مقاله بر جنبه‌های اجتماعی خطای پزشکی است، اما گسست در ارتباط جامعه با نظام سلامت، به دلایلی فراتر از خطای پزشکی صرف مربوط است. می‌توان موارد گوناگونی را برای این موضوع برشمرد. از منظر اجتماعی، در سال‌های اخیر نوعی تصادم بین اقشار مختلف جامعه شاهد هستیم که با پیش‌فرض دوگانه فقیر-غنی یا ما-آنها به رصد و قضاوت اخلاقی می‌پردازد. بر اساس این پیش‌فرض، هدف غایی طبابت چیزی جز کسب درآمد نیست؛ کسب درآمدی که گاه با رفتارهای غیرحرفه‌ای و سودجویانه همراه است. در نتیجه، پزشک حق ندارد در راه کسب درآمد خود مرتکب اشتباه شود. نبود آمار دقیق، پرداخت‌های غیرواقعی با ضریب‌های دستوری و فرارهای مالیاتی و تفاوت پایه حقوقی پزشکان و سایر کادر درمانی باعث شده است جامعه با باوری ناصحیح، قضاوتی نامنصفانه از میزان درآمد پزشکان و تناسب آن با مشقت حرفه‌ای آنان داشته باشد و در موارد خطا، به آنها به‌عنوان تنها دهنی آسان، مطلوب و قربانی‌ای از پیش انتخاب‌شده که مجازاتش با رضایت همگان همراه است، بنگرد. از طرفی، سپردن جان و جسم به دست کسی از سر اجبار یا اختیار، به معنی اعتماد حداکثری به توانایی‌ها، تجربه و ذخایر علمی یک پزشک است. جامعه در روزگار حرفه‌ای‌سازی همه مشاغل، دنبال حکیم و طبیبی مسیحانفس و عالم به‌تمام نادانسته‌هاست که با حس نبض، پی به تمام امراض ببرد و نسخه‌ای به دست بیمار بدهد که

شفای تمام امراض جسمانی و روحانی‌اش باشد. این دیدگاه‌ها بستری فرهنگی را فراهم می‌کند تا جامعه خطای پزشکی را گناهی نابخشودنی تلقی کند؛ در حالی که برای جامعه پزشکی با رویکردی واقع‌گرایانه، خطا مقوله‌ای اجتناب‌ناپذیر است که به‌نسبت در هر عمل بالینی ممکن است اتفاق بیفتد. این گسست در رویکرد، به شکافی اجتماعی بدل شده که موجبات بی‌اعتمادی به نظام سلامت بیمار شرح داده شود. از طرفی، تفاوت بین عوارض درمان و خطای پزشکی برای جامعه ملموس نیست. بخشی از مواردی که جامعه به‌عنوان خطای پزشکی پیگیری می‌کند، عوارض درمانی است که بر اساس اصول کسب رضایت آگاهانه، باید پیش از اعمال جراحی یا تجویز دارو برای بیمار شرح داده شود. وجود گسل در ارتباط پزشک و بیمار و رعایت‌نکردن موازین کسب رضایت آگاهانه از طریق گفت‌وگوی مستقیم، باعث شده است این عوارض به‌عنوان خطای پزشکی شناخته شوند. از منظر دیگر، قضاوت اجتماعی جزئی جدایی‌ناپذیر از عرصه عمومی است. سیر ارتکاب جرم عمد منجر به آسیب جسمی- روانی و خطای پزشکی متفاوت است، ولی هر دو به فاجعه‌ای یکسان می‌انجامد؛ نقص عضو، گرفتن جان آدمی یا آسیب روانی پایدار. از آنجا که «نتیجه» و صرفاً «نتیجه»، ملاک قضاوت عمومی است، جامعه به دیگر جنبه‌های خطای پزشکی برای صدور حکم خود نیازی نمی‌بیند، در حالی که برای دستگاه دادرسی، انگیزه، برنامه‌ریزی برای جرم، نقش هر دو سوی دعوی، نحوه اجرا و هدف نیز در کنار عواقب جرم اهمیت دارد و صرفاً نتایج یکسان به مجازات‌های یکسان ختم نمی‌شود؛ هرچند ممکن است برای جامعه قانع‌کننده نباشد و خطای پزشکی و جرم عامدانه را از یک سنخ پندارند.

همچنین در سال‌های متنامدی، نظام سلامت و ازجمله پزشکان، خود را مکلف به توضیح، آشکارسازی و تئویر ذهن مراجعه‌کنندگان برای پرسش‌های ایجادشده ندیده‌اند. هنوز در آذهان پزشکان و برخی بیماران، رابطه پدرسالارانه پزشک با بیمار، دلیلی بر کفایت بالینی و دانش پزشک است؛ با اینکه افکار عمومی هوشیارتر و باسوادتر از گذشته به رصد مسائل می‌پردازند. انباشت شبهات بی‌پاسخ و باخبرشدن از تجربیات دیگر افراد جامعه، باعث شده است بی‌اعتمادی به نظام سلامت به‌عنوان یک پیش‌فرض مشترک در ضمیر مراجعه‌کنندگان ثبت شده باشد.

وزیر پیشنهادی راه‌وشهرسازی وعده داد

رایزنی با سران ۳ قوه برای حل مشکل مسکن مهر پردیس

گروه اقتصاد:بحران مسکن مهر پردیس و نارسایی در تکمیل آن، آن‌قدر ماجرا را پیچیده کرده که حتی وزیر پیشنهادی راه‌وشهرسازی هم پیش از آنکه تأیید حضور در این پست را بیاید، برای آن نسخه می‌پیچد.

محمد اسلامی وعده می‌دهد...

صفحه ۴

سال شانزدهم - شماره ۳۲۷۷ - ۱۶ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

آنچه ایران نباید فراموش کند

داوود هرمیداس‌باوند . استاد روابط بین‌الملل



موضع انتقادی رئیس‌جمهور فعلی آمریکا نسبت به برجام نشان داد استفاده از سه سال پایانی اوامام برای رسیدن به یک توافق جامع، هدف‌گذاری درستی بود. اگر در دوره اوایاما برجامی به دست نمی‌آمد، فرجام مذاکرات با ۵+۱ مشخص نبود؛ به‌علاوه اینکه با نظر به مواضع دولت ترامپ، به‌طورکلی نگاهی فراتر از برجام علیه ایران دنبال می‌شود و شکل‌گیری تفاهم و توافق تحت هر نامی، با این موضع طرفین نسبت به یکدیگر در این دوره امکان‌پذیر نبود. البته شاید این موضع در سه سال اول پررنگ‌تر باشد؛ چراکه رؤسای‌جمهور ایالات متحده معمولاً در ابتدای ورود به کاخ سفید علاقه‌مند به فاتح نشان‌دادن خود هستند. تصمیمات نسنجیده در این دوره بیشتر خود را نشان می‌دهد و مشکلاتی جدی را برای سال‌های آینده آنان در پی دارد. ترامپ به دنبال محدودکردن نقش منطقه‌ای ایران بوده و هست؛ شبیه اقدامات تنبیهی که در دوران ریگان علیه ایران دنبال شد. به باور نگارنده ترامپ یا را از این حدود فراتر نخواهد گذاشت و فراتر از اقدامات تنبیهی‌ای که در قالب تحریم‌های ۹۰ و ۱۸۰روزه دنبال کرد، کار دیگری انجام نمی‌دهد. اگرچه انتخابات نیمه آبان کنگره و سنا، تأثیری در جهت‌گیری‌های دولت ندارد اما به‌رحال اگر به ناکامی جمهوری‌خواهان منجر شود، می‌تواند پیام‌هایی برای ترامپ داشته باشد. فعلاً مواضع احساسی و هیجانی در دولت ترامپ ادامه دارد؛ ماجرای مربوط به ممنوعیت ورود اتباع هفت کشور مسلمان به این کشور و واکنش‌های بین‌المللی مواجه شد و خروج آمریکا از پیمان‌های بین‌المللی، اعتبار این کشور را کاهش داد. در دولت دونالد ترامپ اعضای کابینه از بولتسون و پمپئو گرفته تا وزیر خزانه‌داری و حتی وزیر دفاع، عمدتاً مواضع ضدایرانی دارند و این مسئله می‌تواند در آینده خطرناک باشد. باید برای این مسئله تدابیری اندیشید. رئیس‌جمهور آمریکا فاقد سابقه سیاسی و علاقه‌مند جدی به موضع‌گیری‌هایی عوام‌فریبانه و پوپولیستی است. او از آمریکای در حال سقوط دوران اوایاما گفته و اینکه می‌خواهد آمریکا را دوباره آقای جهان کند. تلاش کرده هم‌گرایی با اتحادیه اروپا را به نوعی فرمانبری آن کشورها از آمریکا تبدیل کند. او دیگر اقلیت‌های مذهبی و قومی مانند مرکزیک‌ها را نیز تحقیر کرده است. شاید در کوتاه‌مدت، برخی رفتارها در آمریکا با بازخورد مثبت در میان مردم مواجه شود. اما بسیار زود نگرانی در این زمینه‌ها خود را نشان می‌دهد. نزدیک سؤال برانگیز او این است که سعودی‌ها و حالا ماجرای قتل خاشقچی، علامت‌سوالی جدی روی رفتارهای ترامپ گذاشته و برخی تصور می‌کنند عملکرد او ممکن است جامعه آمریکا را با خطرهای جدیدی مواجه کند. رفتارهای ترامپ شاید نوعی کاسیکاری را به نمایش بگذارد یا برخی آن را نوعی تمرکز بر منافع ایالات متحده تفسیر کنند، اما فراموش نکنیم روش او هیچ پایه علمی و منطقی‌ای ندارد و دارای مصارف تبلیغاتی است. ادامه ریاست‌جمهوری او ضربه‌ای جدی به دموکراسی آمریکاست و باید دید عقلای جمهوری‌خواه و افکار عمومی تا کجا با او همراهی خواهند کرد. آنچه مشخص است این است که ایران باید با ابزارهایی مانند لابی‌های کنگره، سنا و البته محافل مستقل آمریکا برای کنترل ترامپ استفاده کرده و تلاش کند بهانه‌تراشی‌های آنان برای همکاری‌نکردن اتحادیه اروپا با ایران را از میان بردارد.

خبر

دلیل تحریم‌های جدید آمریکا از دیدگاه ظریف

● فارس: وزیر امور خارجه ایران دیروز به اقدام وزارت خزانه‌داری آمریکا در تحریم دوشهروند ایرانی به بهانه ادعایی حمایت از طالبان واکنش نشان داد. محمدجواد ظریف در صفحه توئیتر خود نوشت: «خزانه‌داری آمریکا، برای متخرف‌کردن آذهان از اخبار مربوط به قساوت سعودی‌ها در استانبول و سراسر یم- طبیعتاً هم‌زمان با سفر [وزیر خزانه‌داری] به عربستان- ایران را بابت «حمایت» از گروه ضدایرانی طالبان تحریم می‌کند. این را هم به راحتی نادیده می‌گیرند که آمریکا هم‌اکنون مشغول مذاکره با همان طالبان است و نوچه‌هایش مدت‌ها از این گروه حمایت کرده‌اند».

ادامه در صفحه ۶